

## شہید غلامرضا قاسمی



سامانہ جامع سرداران و دوہزار شہید استان بوئسحر

|                    |             |
|--------------------|-------------|
| احمد               | نام پدر     |
| ۱۳۴۵/۰۴/۰۳         | تاریخ تولد  |
| بوشهر - گناوه      | محل تولد    |
| ۱۳۶۵/۱۰/۰۴         | تاریخ شهادت |
| جزیره سهیل         | محل شهادت   |
| ش.م.ر. واحد بهداری | مسئولیت     |
| پاسدار و وظیفه     | نوع عضویت   |
| -                  | شغل         |
| دوره راهنمایی      | تحصیلات     |
| گناوه              | مدفن        |

## زندگینامه

شهید غلامرضا قاسمی فرزند احمد در تاریخ ۱۳۴۵/۴/۲ در خانواده‌ای مومن و مذهبی و مستضعف پا به عرصه حیات نهاد و زندگی شیرین توأم با رنج و مشقت را آغاز نمود و در سن شش سالگی جهت فرا گرفتن علم و دانش راه مدرسه و تحصیل را پیش گرفت

و همانطوری که در ابتدا یادآوری شد چون خانواده‌ای مستضعف بودند تا سال دوم راهنمایی بیشتر به تحصیل ادامه نداد و انگهی جهت رسیدگی به امورات خانواده به یاری پدر خویش که خانه نشین بود شتافت

و در تمامی زمینه‌ها یک لحظه از هیچ مسئله‌ای غافل نبود و با تلاشهای فراوان و روز افزون خویش هیچ گاه به غیر از درگاه خدا دست به طرف احدی دراز ننمود و مردانه زیست و مردانه زیستن را به دیگر برادرانش آموخت

و او این درس را از مکتب پدر بزرگوارش و مادر محترمه‌اش آموخته بود که نباید به غیر از خدا محتاج دیگری بود و از نظر طرز برخورد با دوستان و خویشان و بخصوص با پدر و مادرش همواره صداقت را پیشه کار خویش ساخته بود.

او فرزند دوم خانواده محسوب میشد ولی در عوض یک معلم بود برای دیگر برادرانش و در عمر پر بار و کوتاهش این رشادتها و جوانمردی‌ها را از وجود یک پدر و مادر بزرگوارش داشت که او را تا به این حد رسانده بودند و اینک او را دو دستی تقدیم به پیشگاه خدا می نمایند.

شهید عزیز و بزرگوار چون رفته رفته ایام امتحان به پیش آمد عاشقانه در تاریخ ۱۳۶۵/۷/۱۸ به خدمت سربازی عزیمت نمود و در کرمان به پوشیدن لباس پر افتخار پاسداری مفتخر گردید و در آنجا دوره آموزشی را طی نمود

و انگهی به منطقه جنگی جنوب جهت رویارویی با دشمنان اسلام اعزام گردید و از این امتحان الهی پیروزمندانه به بزرگترین درجه یعنی افتخار شهادت نائل آمد

و در عملیات کربلای ۴ به ندای هل من ناصر ینصرنی سرور شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین بن علی (ع) که در ۱۴ قرن پیش در کربلا سر داد لبیک گفت و قاسم گونه حمله دامادی را ترک گفت و خلعت زیبای شهادت را بر تن نمود و به جوار الهی شتافت.

# خاطرات

خاطره‌ای از مادر شهید

عنوان خاطره: کمک به فقرا

روزی سر مزار فرزندم نشسته بودم که زنی آمد و گفت این فرزند شماست

گفتم بله

گفت عکس او را به من بده

گفتم شما کی هستی

گفت این شهید عزیز قبل از شهادت در گاوداری کار می‌کرد و شیر و ماست برای من و فرزندانم که وضعیت اقتصادی خوبی نداشتیم زندگیمان را اداره کنیم می‌آورد

و حقوقش را با ما تقسیم می‌کرد آن موقع من متوجه خصوصیات خوب فرزندم شدم که به فقرا و نیازمندان کمک می‌کرد.

روحش شاد و یادش گرامی



سامانہ جامع سرداران و دوہزار ششمیہ استان بوٹھر